یکشنبه 21/2/1404-13ذیقعده الحرام 1446-11مه 2025-درس 141فقه رهبری سازمانی –شرائط و موانع – صبر وجزع –

مساله132: مدیران در مقام ادای وظیفه رهبری سازمانی انگیزه بخش خود با توجه به لزوم تحصیل صبر به عنوان شرط لازم التحصیل برای تصحیح و تکمیل رهبری موظف به تحصیل هر درجه ای از صبر در مواجهه با مصیبات ، تکالیف و معصیات طبق توان و وسع خود هستند و نیز موظف به بالابردن درجه وسع خود می باشند تا ظرفیت بیش تری برای تحصیل صبر بیش تر در خود ایجاد کنند .

***شرح مساله***: معلوم شد که صبر احکام متضادی از حرمت ووجوب وکراهت و استحباب دارد و طیعتا جزع نیز به همین احکام متضاد محکوم میشود به علت مضاده با صبر .این از احکام تکلیفیه و اما احکام وضعیه که صبر شرطیت صحت برای وظیفه رهبری سازمانی مدیر دارد و جزع مانعیت صحت برای این فریضه دارد کما مر. و معلوم شد که صحت رهبری هم به معنای ترتب اثر انگیزش بر این فریضه است که صبر شرط ترتب انگیزش وجزع مانع ترتب انگیزش بر فعل رهبری است . اما شرط کمال رهبری و مانع کمال رهبری هم وجود دارد که درجات بالای صبر است صبر درجاتی دارد که در یک خبر مرفوع کالصحیح[[1]](#footnote-1) با آن آشنا شدیم مجددا از این دید گاه با آن مواجهه فقهی میکنیم دراین خبر برای صبر بر مصیبت 300 درجه نمره داده شده است وبرای صبر بر اطاعت 600 درجه و برای صبر بر معصیت 900 درجه . که خود درجات هم در هریک از این سه دسته از نمره دارای درجات متباینی بودند . درجه بندی فوق العاده ای توسط معصوم انجام شده است که باید مورد درایت قرار گیرد . البته نوعی دیگر از درجه بندی هم وجود دارد مثل صبر الشاکرین [[2]](#footnote-2)وصبر جمیل [[3]](#footnote-3)و.... و نیز یک نوع درجه بندی که در قرآن شده است که عشرون صابرون [[4]](#footnote-4)که بر دویست نفر غلبه میکنند واگر هزارتا صابر باشند بر دو هزار غلبه میکنندکه صبری قوی است ولی اگر صبری ضعیف تر باشد درصد غلبه پایین می آید 100 صابر با صبر ضعیف بر 200 توان غلبه دارند و 1000صابر با صبر ضعیف بر دو هزار نفر غلبه میکنند . ملاحظه میشود که صبر داری درجه قوی واقوی یا قوی وضعیف پیدا میکند صبر قوی تر غلبه بیش تر صبر ضعیف تر غلبه کمتر . این درجه بندی کیفی صبر است .حال اگر این درجه بندیهای متفاوت در هم ضرب شوند مثلا صبر بر مصیبت در جنگ که دارای 300 نمره بود اگر دارای قوت وضعف باشد آیا باز هم 300 نمره برای صابر بر مصیبت ثابت است یا متغیر میشود ؟ حساب دقیق و سختی است و همین طور قوت وضعف صبر در صبر بر طاعت و صبر بر معصیت . نتیجه میگیریم که صبر دارای درجات متداخلی است و بسته به درجه دخالت جزع هم هست زیرا جزع در مصیبت و طاعت و معصیت وجود دارد حتی برای بزرگان ولی برخی آن را صد در صد پنهان میکنند که نام آن صبر جمیل است و برخی درصد ی از جزع را اظهار میکنند که از جمال صبر و کمال آن کاسته میشود بسته به توان کتمان و خویشتنداری درجه اظهار جزع بالا و پایین میشود هر چه درجه اظهار جزع بالاتر درجه صبر پایین تر می آید و از سوی دیگر کتمان جزع در صبر بر مصیبت با کتمان آن در مواجهه با طاعات و معصیات هم با هم متفاوت است زیرا کتمان جزع در مواجهه با معصیت درجه بالاتری از کتمان آن در مواجهه با اطاعات است و به همین نسبت کتمان جزع در اطاعات درجه بالاتری از فضیلت نسبت به کتمان جزع در مصیبات دارد .

حساب این درجات با کراما کاتبین است که بسیار دقیق عمل میکنند با درایت قاصره خود میتوانیم به این ملاک برسیم که صبر دارای درجاتی کمالیه و جمالیه و جلالیه است صابران صاحبان این درجات بسته و قوت و ضعف ایمان و روان به مدارج بالتری از صابرین دست می یابند و ملائکه ارزیاب و کاتب آن را به دقت محاسبه و ثبت میکنند آنچه مهم است ادراک این درجات صبر رهبران توسط پیروان است ادراکی دقیق از جنس ادراک فرشتگان و بر همین اساس است که درجات انگیزش کارکنان قوت و ضعف پیدا میکند و لذا با توجه به لزوم تحصیل صبر به عنوان شرط لازم التحصیل برای تصحیح رهبری، مدیران راهبر موظف به تحصیل هر درجه ای از صبر طبق وسع وتوان هستند ونیز موظف به بالا بردن درجه وسع خود میباشند تا ظرفیت بیشتری برای تحصیل صبر بیش تر در خود ایجاد کنند . لذا ارتقاء درجه صبر و کاهش درجه جزع مطابق تمام وسع به عنوان شرط کمال رهبری محسوب میشود به شرط اینکه استفراغ وسع داشته باشد یعنی تمامی ظرفیت خود را مشحون از صبر کند نه بخشی از وسع را که موجب کاهش درجه کمال خواهد شد لذا میتوان به این قاعده فقهی رسید که کمال رهبری مدیران مشروط به اعمال تمام وسع ممکن خود در تحصیل صبر دارد و ممکن است کمال صبر در یک مدیر با کمال آن در مدیر دیگر متفاوت باشد ولی هردو کمال است زیرا عدالت ربوبی کمال را مطابق وسع ارزیابی میکند بله آنها که وسع بیش تری دارند ظرفیت پذیرش مسئولیت های سنگین تر که صبر بیش تری نیاز دارد را دارند فافهم وتدبر .

فتحصل : مدیران در مقام ادای وظیفه رهبری سازمانی انگیزه بخش خود با توجه به لزوم تحصیل صبر به عنوان شرط لازم التحصیل برای تصحیح و تکمیل رهبری موظف به تحصیل هر درجه ای از صبر در مواجهه با مصیبات ، تکالیف و معصیات طبق توان و وسع خود هستند و نیز موظف به بالابردن درجه وسع خود می باشند تا ظرفیت بیش تری برای تحصیل صبر بیش تر در خود ایجاد کنند .

1. **الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج‏2 ؛ ص91**

   15- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى قَالَ أَخْبَرَنِي يَحْيَى بْنُ سُلَيْمٍ الطَّائِفِيُّ قَالَ أَخْبَرَنِي عَمْرُو بْنُ شِمْرٍ الْيَمَانِيُّ يَرْفَعُ الْحَدِيثَ إِلَى عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمُصِيبَةِ حَتَّى يَرُدَّهَا بِحُسْنِ عَزَائِهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَلَاثَمِائَةِ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى الطَّاعَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتَّمِائَةِ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تُخُومِ الْأَرْضِ‏ إِلَى الْعَرْشِ وَ مَنْ صَبَرَ عَنِ الْمَعْصِيَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ تِسْعَمِائَةِ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تُخُومِ الْأَرْضِ إِلَى مُنْتَهَى الْعَرْشِ.   
   حدیث مرفوع- از اصطلاحات [علم درایه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D9%85_%D8%AF%D8%B1%D8%A7%DB%8C%D9%87" \o "علم درایه" \t "_blank) و- در دو معنا به کار رفته است:  
   ۱. حدیثی که یک- یا بیشتر از یک- [راوی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D8%A7%D9%88%DB%8C" \o "راوی" \t "_blank) آن از میانه یا آخر سند آن افتاده باشد، با تصریح به لفظ رفع، مانند آنکه گفته شود: «روی [الکلینی](https://fa.wikifeqh.ir/%DA%A9%D9%84%DB%8C%D9%86%DB%8C" \o "کلینی" \t "_blank) عن [علی بن ابراهیم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%DB%8C_%D8%A8%D9%86_%D8%A7%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%87%DB%8C%D9%85" \o "علی بن ابراهیم" \t "_blank)، عن ابیه، رَفَعَهُ عن [ابی عبداللَّه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%A8%DB%8C_%D8%B9%D8%A8%D8%AF%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%91%D9%8E%D9%87" \o "ابی عبداللَّه (پیوندی وجود ندارد)) علیه السّلام» این نوع رفع، مصداق [حدیث مرسل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%AF%DB%8C%D8%AB_%D9%85%D8%B1%D8%B3%D9%84" \o "حدیث مرسل" \t "_blank) است.  
   ۲. حدیثی که آخر سند آن به قول یا [فعل](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%81%D8%B9%D9%84" \o "فعل" \t "_blank) و یا [تقریر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D9%82%D8%B1%DB%8C%D8%B1" \o "تقریر" \t "_blank) [معصوم](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B9%D8%B5%D9%88%D9%85" \o "معصوم" \t "_blank) علیه السّلام اضافه شود؛ خواه در سند آن ارسال باشد یا نباشد، مانند اینکه صحابی [امام](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85" \o "امام" \t "_blank) بگوید:  
   [امام صادق](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D9%82" \o "امام صادق" \t "_blank) علیه السّلام چنین فرمود یا دیدم [امام](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85) چنین کاری کرد یا من در محضر امام فلان کار را کردم و آن حضرت انکار نکرد. حدیث مرفوع به معنای دوم از اقسام مشترک بین چهار قسم اصلی حدیث است.

   [شهید ثانی](https://fa.wikishia.net/view/%D8%B4%D9%87%DB%8C%D8%AF_%D8%AB%D8%A7%D9%86%DB%8C)، حدیث مرفوع را روایتی دانسته که چیزی (اعم از قول، فعل و تقریر) در آن به [معصوم](https://fa.wikishia.net/view/%D9%85%D8%B9%D8%B5%D9%88%D9%85) نسبت داده شده؛ خواه سلسله راویان به معصوم رسیده باشد یا نه؛ مانند زمانی که یک راوی، قولی را به امام معصومِ غیر هم‌عصر خود نسبت دهد، بی‌آنکه نامی از راویان پیش از خود ببرد.[[۲]](https://fa.wikishia.net/view/%D8%AD%D8%AF%DB%8C%D8%AB_%D9%85%D8%B1%D9%81%D9%88%D8%B9#cite_note-2)

   علاوه بر این، علامه [مامقانی](https://fa.wikishia.net/view/%D9%85%D8%A7%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%86%DB%8C)، حدیث مرفوع را روایتی دانسته که در ضمن تصریح به واژه «رفع»، یک یا چند راوی ذکر نشده باشد؛ مانند آنکه گفته شود:«روی الکلینی عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، رَفَعَهُ عن ابی عبدالله علیه‌السلام».[[۳]](https://fa.wikishia.net/view/%D8%AD%D8%AF%DB%8C%D8%AB_%D9%85%D8%B1%D9%81%D9%88%D8%B9#cite_note-3)

   * حدیث مرفوع، می‌تواند [صحیح](https://fa.wikishia.net/view/%D8%AD%D8%AF%DB%8C%D8%AB_%D8%B5%D8%AD%DB%8C%D8%AD)، [موثق](https://fa.wikishia.net/view/%D8%AD%D8%AF%DB%8C%D8%AB_%D9%85%D9%88%D8%AB%D9%82)، [حسن](https://fa.wikishia.net/view/%D8%AD%D8%AF%DB%8C%D8%AB_%D8%AD%D8%B3%D9%86) و [ضعیف](https://fa.wikishia.net/view/%D8%AD%D8%AF%DB%8C%D8%AB_%D8%B6%D8%B9%DB%8C%D9%81) باشد.[[۴]](https://fa.wikishia.net/view/%D8%AD%D8%AF%DB%8C%D8%AB_%D9%85%D8%B1%D9%81%D9%88%D8%B9#cite_note-4) مودب، رضا، علم الدرایه تطبیقی، قم، مرکز نشر المصطفی، ۱۳۹۱ش  
     صاحب کتاب علم حدیث می گوید: آیت الله مامقانی (ره) معتقد است گرچه این کلمه (مرفوع) در معنای دوم بیشتر به کار برده می شود، اما استعمال آن در معنای اول، در کتب فقه شایع تر است.  
     رک : قربانی، زین العابدین، علم حدیث و نقش آن در شناخت و تهذیب حدیث، ص 114، انتشارات انصاریان، قم، چاپ دوم، 1416ق.

   [↑](#footnote-ref-1)
2. شيخ در كتاب«مصباح» از معلّى بن خنيس از امام صادق (عليه السّلام) روايت كرده: در ماه رجب اين دعا را بخوان:  
     
   اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ وَ عَمَلَ الْخَائِفِينَ مِنْكَ وَ يَقِينَ الْعَابِدِينَ لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَ أَنَا عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ أَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ  
     
   وَ أَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ امْنُنْ بِغِنَاكَ عَلَى فَقْرِي وَ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي وَ بِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِي يَا قَوِيُّ يَا عَزِيزُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
     
   وَ آلِهِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَ اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.  
     
   خدايا شكيبايى شاكرانت، و كردار ترسيدگانت، و باور عبادت ‏كنندگانت را از تو مى‏ خواهم، خدايا تو برتر و بزرگى، و من بنده بينوا و تهي دستم، تو بى ‏نياز و ستوده‏ اى، و من بنده‏ خوارم، خدايا بر محمّد و خاندانش درود فرست، و عطاى اين خواسته ‏ها را بر من منت بگذار به توانگرى ‏ات بر تهيدستى‏ ام،و به بردبارى ‏ات بر نادانى ‏ام، به توانت بر ناتوانى ‏ام اى عزيز، خدايا بر محمّد و خاندانش آن‏ جانشيان پسنديده درود فرست، و مرا از كارهاى دنيا و آخرت نسبت به چيزى‏ كه بى‏ تابم كرده كفايت كن اى مهربان‏ترين مهربانان.  
     
   مؤلف گويد:سيّد ابن طاووس هم اين دعا را در كتاب«اقبال» نقل كرده، و از نقل او پيداست كه اين دعا از جامع‏ ترين دعاهاست، و در تمام اوقات مى‏ توان آن را خوان [↑](#footnote-ref-2)
3. کتاب تهذیب نفس وسیروسلوک ازدیدگاه امام خمینی(س)

   # **درجات و مراتب صبر**

   برخی، مراتب صبر را به صبر عوامّ، صبر زهّاد، صبر اهل تقوا و صبر عارفان تقسیم کرده‌اند. امام‌خمینی مراتب صبر را به صبر عامّه، صبر متوسطان و صبر اهل سلوک تقسیم می‌کند.

   ‏**‏**

   ‏**‏درجات صبر‏**

   ‏‏بدان که از برای صبر، به حسب آنچه از احادیث شریفه معلوم‏‎ ‎‏می شود، درجاتی است؛ و اجر و ثواب آن به حسب درجات آن‏‎ ‎‏مختلف است. چنانچه در ‏‏کافی‏‏ شریف، سند به حضرت مولای‏‎ ‎‏متقیان، امیرمؤمنان، علیه السلام، رساند. ‏***‏قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله، صلّی الله ‏****‎ ‎****‏علیه و آله، الصَّبْرُ ثَلاَثَةٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِیبَةِ؛ وَ صَبْرٌ عَلَی الطَّاعَةِ؛ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِیَةِ.‏****‎ ‎****‏فَمَنْ صَبَرَ عَلَی الْمُصِیبَةِ حَتَّی یَرُدَّهَا بِحُسْنِ عَزَائِهَا، کَتَبَ الله لَهُ ثَلاَثَمِائَةِ دَرَجَةٍ مَا بَیْنَ‏****‎ ‎****‏الدَّرَجَةِ إِلَی الدَّرَجَةِ، کَمَا بَیْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ. وَ مَنْ صَبَرَ عَلَی الطَّاعَةِ، کَتَبَ الله لَهُ‏****‎ ‎****‏سِتَّمِائَةِ دَرَجَةٍ مَا بَیْنَ الدَّرَجَةِ إِلَی الدَّرَجَةِ، کَمَا بَیْنَ تُخُومِ الْأَرْضِ إِلَی الْعَرْشِ. وَ مَنْ‏****‎ ‎****‏صَبَرَ عَنِ الْمَعْصِیَةِ، کَتَبَ الله لَهُ تِسْعَمِائَةِ دَرَجَةٍ مَا بَیْنَ الدَّرَجَةِ إِلَی الدَّرَجَةِ، کَمَا بَیْنَ‏****‎ ‎****‏تُخُومِ الْأَرْضِ إِلَی مُنْتَهَی الْعَرْشِ.‏***[‎[1]‎](http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_123508/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8/%D8%AA%D9%87%D8%B0%DB%8C%D8%A8_%D9%86%D9%81%D8%B3_%D9%88%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3%D9%84%D9%88%DA%A9_%D8%A7%D8%B2%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C_%D8%B3_/%D8%AF%D8%B1%D8%AC%D8%A7%D8%AA_%D9%88_%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%A8_%D8%B5%D8%A8%D8%B1#footnote1)

   ‏  
   ‎

   ‏‏    ‏‏«فرمود حضرت امیر، علیه السلام، که فرمود رسول خدا،‏‎ ‎‏صلّی الله علیه و آله: "صبر سه گونه است: صبر نزد مصیبت است؛‏‎ ‎‏و صبر بر طاعت است؛ و صبر از معصیت. پس کسی که صبر کند‏‎ ‎‏بر مصیبت تا آنکه برگرداند مصیبت و شدت آن را به نیکویی‏‎ ‎‏عزای آن (یعنی با صبر جمیل شدت مصیبت را ردّ کند)، بنویسد‏‎ ‎‏خدا برای او سیصد درجه؛ مابین هر درجه تا درجه مثل مابین‏‎ ‎‏آسمان و زمین. و کسی که صبر نماید بر اطاعت، بنویسد خدا از‏‎ ‎‏برای او ششصد درجه؛ میانۀ درجه تا درجه مثل میانۀ قعر زمین تا‏‎ ‎‏عرش. و کسی که صبر کند بر معصیت، بنویسد خداوند برای او‏‎ ‎‏نهصد درجه؛ میانۀ درجه تا درجه مثل میانۀ منتهای زمین تا منتهای‏‎ ‎‏عرش."».(607)‏

   ‏‏ ‏

   ‏***‏\*  \*  \*‏***

   ‏‏ ‏

   ‏**‏صبر بر مصیبت‏**

   ‏‏از این حدیث شریف سه درجۀ صبر که مبادی صبرها است و از‏‎ ‎‏اُمّهات صبر متوسّطین است، معلوم می شود:‏

   ‏‏     اوّل، صبر بر بلیّات و مصیبات است که انسان در این گونه‏‎ ‎‏واردات خودداری کند و شکایت و جزع پیش خلق نکند؛ لکن‏‎ ‎‏جزع پیش خالق نقص نیست، بلکه پیش اهل معرفت عیب است؛‏‎ ‎‏زیرا که آن تجلُّد و تصلُّب است، و در مذهب عشق و محبّتْ تجلُّد‏‎ ‎‏عیب بزرگ است؛ بلکه اظهار عجز و نیازمندی مطلوب است،‏‎ ‎‏چنانچه گفته اند:‏

   ‏‏ ‏

   ‏ویحسُنُ إظهارُ التجلُّدِ لِلعدی‏

   ‏‏ ‏‏ویقبُحُ إلاّ العجزَ عند الأحبَّة‏[‎[2]‎](http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_123508/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8/%D8%AA%D9%87%D8%B0%DB%8C%D8%A8_%D9%86%D9%81%D8%B3_%D9%88%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3%D9%84%D9%88%DA%A9_%D8%A7%D8%B2%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C_%D8%B3_/%D8%AF%D8%B1%D8%AC%D8%A7%D8%AA_%D9%88_%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%A8_%D8%B5%D8%A8%D8%B1#footnote2)

   ‎

   ‏‏    ‏‏و نیز تجلُّدْ خودنمائی و اظهار وجود است، و این نزد اهل‏‎ ‎‏معرفت از بزرگترین جنایات است.‏[‎[3]‎](http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_123508/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8/%D8%AA%D9%87%D8%B0%DB%8C%D8%A8_%D9%86%D9%81%D8%B3_%D9%88%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3%D9%84%D9%88%DA%A9_%D8%A7%D8%B2%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C_%D8%B3_/%D8%AF%D8%B1%D8%AC%D8%A7%D8%AA_%D9%88_%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%A8_%D8%B5%D8%A8%D8%B1#footnote3)

   ‏‏    ‏‏و از برای صبر در مصیبات، سیصد درجه ثواب است که میان‏‎ ‎‏هر درجه تا درجه‏‏[‏‏ ای‏‏]‏‏ مانند فاصلۀ بین آسمان و زمین است.‏

   ‏**‏صبر در اطاعت‏**

   ‏‏     دوّم، صبر در اطاعت است که انسان در فرمانبریِ حق تعالی‏‎ ‎‏خوددار باشد، و نفس امّاره عنان از دست انسان نگیرد، و افسار‏‎ ‎‏گسیختگی نکند.‏

   ‏‏     و بطور کلی افسارگسیختگی در دو مقام اتفاق افتد که صبر در‏‎ ‎‏یکی از آنها از دیگری بسیار مشکلتر است:‏

   ‏‏     مقام اوّل که صبر در آن آسان است، افسار گسیختگی در ترک‏‎ ‎‏طاعات است. و صبر در این مرحله، مقاومت با نفس و شیطان‏‎ ‎‏کردن و اتیان کردن دستورات الهیّه است با حدود شرعیّه و شرایط‏‎ ‎‏و آداب قلبیّه که اتیان به این شرایط و قیام به این آداب از مشکلات‏‎ ‎‏است، و ما در رسالۀ ‏‏آداب الصلاة ‏‏شمه‏‏[‏‏ ای‏‏]‏‏ از آداب و شرایط‏‎ ‎‏مطلق عبادات و خصوص نماز را بیان کردیم.‏[‎[4]‎](http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_123508/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8/%D8%AA%D9%87%D8%B0%DB%8C%D8%A8_%D9%86%D9%81%D8%B3_%D9%88%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3%D9%84%D9%88%DA%A9_%D8%A7%D8%B2%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C_%D8%B3_/%D8%AF%D8%B1%D8%AC%D8%A7%D8%AA_%D9%88_%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%A8_%D8%B5%D8%A8%D8%B1#footnote4)

   ‏‏     ‏‏مقام دوّم که مشکلتر است صبر در آن، افسار گسیختگی پس از‏‎ ‎‏اتیان عمل و اطاعت است که نفس خود نگهدار باشد بطوری که‏‎ ‎‏قیام به آداب و شرایط ظاهره و باطنه عمل، عنان را از دست‏‎ ‎‏نگیرد، و او را مبتلا به عُجب و کبر و دیگر توابع آن نکند.‏

   ‏‏     چه بسا که شیطان و نفس امّاره انسان را سالهائی بس طولانی‏‎ ‎‏دعوت به اعمال صالحه و اخلاق حمیده و پیروی از شریعت‏‎ ‎‏مطهّره کنند به امید آنکه او را مبتلا به اعجاب و خودپسندی کنند،‏‎ ‎‏و انسان را با همه مشقّتها و ریاضات ساقط کنند. پس غرور علمی و‏‎ ‎عملی و خودخواهی و خودپسندی یکی از مُهْلِکات است که‏‎ ‎‏انسان را به شقاوت کشاند.‏

   ‏‏     و اگر مراقبت و مواظبت به درجه کامله نشود، و چون طبیب‏‎ ‎‏حاذق و پرستار دلسوز، انسان از خود نگهداری نکند و به عیوب‏‎ ‎‏نفسانی سرکشی ننماید، همان اعمال عبادیه و افعال صالحۀ‏‎ ‎‏صوریه، انسان را به هلاکت کشاند و مایۀ سقوط انسان شود. و‏‎ ‎‏خودداری و نگهبانی از نفس بطور کافیِ تزلزل ناپذیر از مشکلترین‏‎ ‎‏امور است که باید به خدای تعالی پناه برد و از او طلب دستگیری‏‎ ‎‏کرد.‏

   ‏‏     و به قدری مکاید نفس و شیطان گاهی دقیق شود که با هیچ‏‎ ‎‏موشکافی نتوان آن دقایق و مکاید را کشف کرد، مگر با توفیق خدا‏‎ ‎‏و دستگیری او.‏

   ‏‏     و برای صبر در طاعات ششصد درجه است که میان هر درجه‏‎ ‎‏تا درجه‏‏[‏‏ ای‏‏]‏‏، از اعماق زمین تا عرش است. این درجۀ از صبر، از‏‎ ‎‏درجۀ سابق، هم در عدد درجات بالاتر است و هم در سعۀ‏‎ ‎‏درجات؛ زیرا که سعۀ هر درجه از تُخُوم ارض تا عرش است.‏

   ‏‏     و از برای صبر در طاعات مقامات دیگری است که شاید این‏‎ ‎‏حدیث متعرض به آنها نباشد، و آن در صورتی است که دامنۀ‏‎ ‎‏طاعت را وسیعتر کنیم تا به حقایق و سرایر توحید رسد. پس در‏‎ ‎‏این صورت، ثواب و اجر صاحب آن در تحت میزان درجه بندی‏‎ ‎‏نیاید، و سعۀ درجه و کثرت آن از ساحت قدس او دور باشد، و‏‎ ‎‏اجر او علی الله و بلکه خود «الله » باشد؛ چنانچه دربارۀ آنان وارد‏‎ ‎‏است که نظر به جنّات و نعیم آن نکنند.‏[‎[5]‎](http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_123508/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8/%D8%AA%D9%87%D8%B0%DB%8C%D8%A8_%D9%86%D9%81%D8%B3_%D9%88%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3%D9%84%D9%88%DA%A9_%D8%A7%D8%B2%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C_%D8%B3_/%D8%AF%D8%B1%D8%AC%D8%A7%D8%AA_%D9%88_%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%A8_%D8%B5%D8%A8%D8%B1#footnote5)

   ‏‎

   ‏‏    ‏‏و قلب سلیم که در آن غیر خدا نباشد البته در آن جهان هم ـ که‏‎ ‎‏نشئۀ ظهور ملکات و سرائر قلب است ـ در آن غیر خدا نخواهد‏‎ ‎‏بود.‏

   ‏‏ ‏

   ‏در ضمیر ما نمی گنجد به غیر از دوست کس‏

   ‏‏ ‏‏هر دو عالم را به دشمن ده که ما را دوست بس‏[‎[6]‎](http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_123508/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8/%D8%AA%D9%87%D8%B0%DB%8C%D8%A8_%D9%86%D9%81%D8%B3_%D9%88%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3%D9%84%D9%88%DA%A9_%D8%A7%D8%B2%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C_%D8%B3_/%D8%AF%D8%B1%D8%AC%D8%A7%D8%AA_%D9%88_%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%A8_%D8%B5%D8%A8%D8%B1#footnote6)

   ‏ ‏

   ‏‏    ‏‏و شاید آیه شریفه: ‏***‏یَا أیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعی إلی رَبِّکِ راضِیَةً‏****‎ ‎****‏مَرْضِیَّةً \* فَادْخُلِی فِی عِبَادِی \* وَ ادْخُلِی جَنَّتِی‏***[‎[7]‎](http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_123508/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8/%D8%AA%D9%87%D8%B0%DB%8C%D8%A8_%D9%86%D9%81%D8%B3_%D9%88%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3%D9%84%D9%88%DA%A9_%D8%A7%D8%B2%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C_%D8%B3_/%D8%AF%D8%B1%D8%AC%D8%A7%D8%AA_%D9%88_%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%A8_%D8%B5%D8%A8%D8%B1#footnote7)‏ نیز اشاره به مقام این طور‏‎ ‎‏اشخاص و کُمَّل از اولیاء باشد؛ زیرا صاحب نفس مطمئنّه مخاطب‏‎ ‎‏شده به رجوع به ربّ خود او ـ که البته حق تعالی است ـ بی صبغۀ‏‎ ‎‏اسماء. و راضی و مرضی بودن جذبۀ حبیب و محبوبی است که‏‎ ‎‏خود مرکب سیر الی الله است و نتیجۀ دخول در جرگۀ عبادالله ‏‎ ‎‏است ـ که از تمام صبغه ها مبرّی، و به حقیقت اخلاص موصوفندـ ،‏‎ ‎‏و ثمره آن دخول در جنّت ذات که جنّت لقاءالله است می باشد.‏

   ‏**‏صبر بر معصیت‏**

   ‏‏     ‏‏درجۀ سوّم از صبر، صبر در معصیت است که انسان در جهاد با‏‎ ‎‏نفس و جنود ابلیس خودداری و صبر کند، و به واسطه پافشاری و‏‎ ‎‏مصابرت، بر آنها غلبه کند. و از برای این درجه، مقامات و حقایق و‏‎ ‎‏رقایق بسیار است، و در هر درجه صبر در این مقام مشکلتر و‏‎ ‎‏دقیقتر از صبر در طاعات است؛ بلکه اگر کسی از این ورطه‏‎ ‎‏گذشت، صبر در طاعات برای او سهل و آسان شود. پس مهمتر از‏‎ ‎‏هر چیز از برای سالک الی الله ، صبر در معصیت است.‏

   ‏‏     و همان طور که صبر در مجاهده با قوّه شهوت و غضب و‏‎ ‎‏شیطنت ـ که منشأ معاصی صوریه اند ـ از اشقّ امور است بر انسان،‏‎ ‎‏و از طاعات صوریّه قیام بر آن بسیار مشکلتر است، همین طور قیام‏‎ ‎

   ‏  
   ‏‎

   ‏‏در مقابل شیطان بزرگ و نفس ـ که مبدأ معاصی قلبیّه و باطنیّه‏‎ ‎‏هستند ـ و صبر در مجاهدۀ با آنان از مشکلترین مجاهدات است؛‏‎ ‎‏زیرا که در این مجاهده باید طرح الکونَین و رفض النشأتَین شود، و‏‎ ‎‏باید سالک قدم بر فرق خود گذارد و بت بزرگ خودی و انانیّت را‏‎ ‎‏از کعبه دل به دست ولایت مآبی فرو ریزد و بشکند تا به حقایق‏‎ ‎‏اخلاص قدم نهد، و به سرایر خلوص باریابد، و این جز با‏‎ ‎‏دستگیری خدائی و توفیق یزدانی صورت نبندد.‏

   ‏**‏معنا و توجیه درجات صابران‏**

   ‏‏     ‏‏و برای صبر در معصیت، نهصد درجه است که میان هر درجه تا‏‎ ‎‏درجه دیگر، فاصله مانند تُخُوم أرض تا منتهای عرش است. و‏‎ ‎‏درجات این مقام از صبر، از درجه سابق، هم در عدد درجات افزون‏‎ ‎‏است و هم در سعۀ درجات؛ زیرا که فاصله تا منتهای عرش است.‏

   ‏‏     ‏‏و از برای صبر در معصیت، حقایق و سرایری است که در تحت‏‎ ‎‏میزان درجات و سعۀ جسمانی درنیاید. و آن چون خودش، از‏‎ ‎‏مقامات روحانی و معارف یزدانی باید باشد.‏

   ‏‏     ‏‏و در این جا سخنی است و آن، آن است که خدای تعالی جنّت‏‎ ‎‏را توصیف فرموده که: عرض آن سماوات و ارض است‏[‎[8]‎](http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_123508/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8/%D8%AA%D9%87%D8%B0%DB%8C%D8%A8_%D9%86%D9%81%D8%B3_%D9%88%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3%D9%84%D9%88%DA%A9_%D8%A7%D8%B2%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C_%D8%B3_/%D8%AF%D8%B1%D8%AC%D8%A7%D8%AA_%D9%88_%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%A8_%D8%B5%D8%A8%D8%B1#footnote8)‏؛ و در این‏‎ ‎‏حدیث برای صابران درجاتی ذکر شده است که هر درجه، سعۀ آن‏‎ ‎‏از سماوات و ارض بیشتر است.‏

   ‏‏     آنچه عجالتاً به نظر نویسنده می رسد یکی از دو امر است:‏

   ‏‏     اوّل آن که مراد از جنّتی که در ‏‏قرآن ‏‏ذکر شده است جنَّت أعمال‏‎ ‎‏باشد، و لهذا ذکر فرموده است که: ‏***‏اُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِینَ‏***[‎[9]‎](http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_123508/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8/%D8%AA%D9%87%D8%B0%DB%8C%D8%A8_%D9%86%D9%81%D8%B3_%D9%88%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3%D9%84%D9%88%DA%A9_%D8%A7%D8%B2%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C_%D8%B3_/%D8%AF%D8%B1%D8%AC%D8%A7%D8%AA_%D9%88_%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%A8_%D8%B5%D8%A8%D8%B1#footnote9)‏ و در آیۀ دیگر‏‎ ‎‏می فرماید: ‏***‏اُعِدَّتْ لِلَّذِینَ آمَنُوا‏***[‎[10]‎](http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_123508/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8/%D8%AA%D9%87%D8%B0%DB%8C%D8%A8_%D9%86%D9%81%D8%B3_%D9%88%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3%D9%84%D9%88%DA%A9_%D8%A7%D8%B2%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C_%D8%B3_/%D8%AF%D8%B1%D8%AC%D8%A7%D8%AA_%D9%88_%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%A8_%D8%B5%D8%A8%D8%B1#footnote10)‏. و مهیّا شدن، شأن بهشت اعمال‏‎ ‎‏است. و مراد از این درجات که در حدیث شریف مذکور است‏‎ ‎

   ‏‏درجات جنّت اخلاق باشد به مناسبت آن که این درجات برای‏‎ ‎‏صبر است، و صبر از اخلاق است، و بهشت اخلاق سعه اش به قدر‏‎ ‎‏سعۀ کمال انسانی است در مرتبۀ متوسّطه، و از برای آن حدّی به‏‎ ‎‏این موازین نتوان درست کرد.‏

   ‏‏     توجیه دوّم آن که مراد از سماوات و ارض که در ‏‏قرآن ‏‏شریف‏‎ ‎‏است، اعمّ از سماوات و ارض جسمانی باشد، تا سماوات ارواح و‏‎ ‎‏اراضی اشباح را شامل شود، و مراد از درجات در روایت، درجات‏‎ ‎‏بهشت جسمانی باشد.(608)‏

   ‏‏ ‏

   ‏***‏\*  \*  \*‏***

   ‏‏ ‏

   ‏**‏مراتب صبر‏**

   ‏‏«رُوی أنَّ شابّاً من المحبِّین سأل الشِّبْلی عن الصبر؟ فقال: أیّ الصبر‏‎ ‎‏أشدّ؟ فقال: الصبر لله . فقال: لا. فقال: الصبر بالله . فقال: لا. فقال:الصبر‏‎ ‎‏علی الله . فقال: لا. فقال: الصبر فی الله . فقال: لا. فقال: الصبر مع الله .‏‎ ‎‏فقال: لا. فقال: وَیْحَک فأیٌّ؟ فقال: الصبر عن الله . فشهق الشِّبْلی، فَخرَّ‏‎ ‎‏مغشیّاً علیه».‏[‎[11]‎](http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_123508/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8/%D8%AA%D9%87%D8%B0%DB%8C%D8%A8_%D9%86%D9%81%D8%B3_%D9%88%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3%D9%84%D9%88%DA%A9_%D8%A7%D8%B2%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C_%D8%B3_/%D8%AF%D8%B1%D8%AC%D8%A7%D8%AA_%D9%88_%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%A8_%D8%B5%D8%A8%D8%B1#footnote11)

   ‏‏    ‏‏بر ما است که بطور اجمال این مراتب را که در این عبارت‏‎ ‎‏است، شرح کنیم:‏

   ‏‏     أمّا صبر لله ، از مقامات نازله سالکین است که از خود و آمال‏‎ ‎‏نفسانیّه منسلخ شدند، و مهاجرت الی الله کردند. پس در این‏‎ ‎‏انسلاخ هر چه بکنند، برای حق است؛ نه برای خود. و مادامی که‏‎ ‎‏انسان در جلباب نفسانیّت و حجاب خودی است، تمام حرکات و‏‎ ‎

   ‏  
   ‏‎

   ‎‏ سکنات و مناسک و عباداتش برای خود است؛ حق تعالی و توحید‏‎ ‎‏و اطاعت او را هم برای خود می خواهد. و مادامی که انسان در‏‎ ‎‏بیت نفس است و قدمش قدم سیر به باطن خود است، مهاجر الی‏‎ ‎‏الله نیست، و مسافر و سالک نیست؛ مانند سیر در بلد می ماند که‏‎ ‎‏هر چه از گوشۀ بلد به گوشۀ دیگر سیر شود، سفر محقق نشود.‏

   ‏‏     پس تا خروج از بیت نفس و بیرون رفتن از انانیّت نباشد، سفر‏‎ ‎‏الی الله و هجرت به سوی او محقق نشود، و پیش اهل معرفت،‏‎ ‎‏تمام ریاضاتش ریاضت باطل است. و چون خروج از بیت محقَّق‏‎ ‎‏شد، سالک شود، و صبر در این مقام صبر لله است.‏

   ‏‏     و امّا صبر بالله را دو مقام است: یکی برای سالک ثابت است، و‏‎ ‎‏یکی برای اهل صَحْو بعد المَحْو.‏

   ‏‏     و در این جا مراد مقام اوّل است، و آن عبارت از آن است که‏‎ ‎‏سالک پس از خروج از بیت و هجرت الی الله مشاهده کند که تمام‏‎ ‎‏حرکات و سکناتش به حول و قوّۀ خدا است، و خودش دخالت در‏‎ ‎‏چیزی ندارد، پس صبر خود را چون هر چیز خود، بالله داند. و این‏‎ ‎‏غیر از اعتقاد یا برهان است، بلکه مشاهده به عیان است؛ زیرا که‏‎ ‎‏اعتقاد و برهان راجع به اهل حجاب است.‏

   ‏‏     و امّا مقام دوّم که راجع به اهل صَحْو است؛ آن پس از آن است‏‎ ‎‏که طی مقامات سلوک شد، و منتهی به فناء کلّی و محو مطلق‏‎ ‎‏گردید، پس به عنایت حق تعالی ارجاع به مملکت خودش کردند‏‎ ‎‏برای دستگیری از افتادگان. در این مقام، وجود او و شؤون وجودیّۀ‏‎ ‎‏او حقّانی شده، و تمام حرکات و سکناتش در این مقام بالله است؛‏‎ ‎‏یعنی به وجود حقّانی است. پس او در این مقام عَینُ الله و اُذُن الله و‏‎ ‎‏یدُ الله است ‏***‏عَلیٌّ عَیْنُ الله ِ وَ اُذُنُ الله ِ وَ یَدُالله ِ.‏***[‎[12]‎](http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_123508/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8/%D8%AA%D9%87%D8%B0%DB%8C%D8%A8_%D9%86%D9%81%D8%B3_%D9%88%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3%D9%84%D9%88%DA%A9_%D8%A7%D8%B2%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C_%D8%B3_/%D8%AF%D8%B1%D8%AC%D8%A7%D8%AA_%D9%88_%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%A8_%D8%B5%D8%A8%D8%B1#footnote12)

   ‏  
   ‏‎

   ‎‏    ‏‏امّا صبر علی الله و آن پس از تمکین این مقام است؛ یعنی مقام‏‎ ‎‏صبر بالله به معنی اوّلش. پس سالک چون خود را از مطلق تصرفات‏‎ ‎‏بریّ و عاری دید، و تمام واردات را از حق تعالی دید و متصرّفی در‏‎ ‎‏خود و عالَم جز او ندید، پس صبر او صبر علی الله شود؛ بلکه تمام‏‎ ‎‏بلیّات و مصیبات را جلوه های اسماء و صفات بیند. و همان طور که‏‎ ‎‏اهل حجاب بر بلیّات صبر کنند، اینان بر خدا و شؤون اسمائیه یا‏‎ ‎‏ذاتیه او صبر کنند.‏

   ‏‏     ‏‏و امّا صبر فی الله ؛ پس آن از برای اهل حضور است که مشاهده‏‎ ‎‏جمال اسمائی کردند. پس در آن مشاهدات و جلوات هر چه صبر‏‎ ‎‏کنند و دل را از استهلاک و اضمحلال نگه دارند، صبر فی الله است.‏

   ‏‏     ‏‏و امّا صبر مع الله ؛ پس آن برای مشاهدین جمال ذات است که‏‎ ‎‏از مقام مشاهدۀ جمال اسمائی بیرون رفته و به مشاهدۀ ذاتی‏‎ ‎‏رسیده اند. آنها هر چه در این جلوات صبر کنند و خودنگهدار‏‎ ‎‏شوند، صبر مع الله است. و پس از این، مقام استهلاک و فناء است‏‎ ‎‏که اسم و رسمی از سالک و صبر و سلوک نیست.‏

   ‏‏     و امّا صبر عن الله ؛ پس آن صبر مشتاقین و محبوبین جمال است‏‎ ‎‏که پس از ارجاع آنها به مملکت خود ناچار باید صبر کنند، و از‏‎ ‎‏جمال جمیل برای اطاعت خود او محجوب باشند، و این اشقّ‏‎ ‎‏مراتب صبر است. و شاید یک معنی ‏***‏ما اُوذِیَ نَبِیٌّ مِثْلَ ما اُوذِیْتُ‏***[‎[13]‎](http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_123508/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8/%D8%AA%D9%87%D8%B0%DB%8C%D8%A8_%D9%86%D9%81%D8%B3_%D9%88%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3%D9%84%D9%88%DA%A9_%D8%A7%D8%B2%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C_%D8%B3_/%D8%AF%D8%B1%D8%AC%D8%A7%D8%AA_%D9%88_%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%A8_%D8%B5%D8%A8%D8%B1#footnote13)‏ همین‏‎ ‎‏باشد؛ زیرا هر چه محبّت و عشق زیادتر باشد، صبر بر مفارقت‏‎ ‎‏بیشتر است؛ چنانچه علیّ ـ علیه السلام ـ نیز گوید: ‏***‏وَهَبْنِی صَبَرْتُ عَلی‏****‎ ‎****‏عَذابِکَ، فَکَیْفَ أصْبِرُ عَلی فِراقِکَ‏***[‎[14]‎](http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_123508/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8/%D8%AA%D9%87%D8%B0%DB%8C%D8%A8_%D9%86%D9%81%D8%B3_%D9%88%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B3%D9%84%D9%88%DA%A9_%D8%A7%D8%B2%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C_%D8%B3_/%D8%AF%D8%B1%D8%AC%D8%A7%D8%AA_%D9%88_%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%A8_%D8%B5%D8%A8%D8%B1#footnote14)‏ و چون دست کوتاه ما محجوبان از‏‎ ‎

   ‏  
   ‏‎

   ‎

   ‏‏دراز کردن به شاخسار بلند مقامات اولیاء قاصر است، بیش از این‏‎ ‎‏زبان درازی روا نیست.(609)‏

   ‏‏ ‏

   ‏***‏\*  \*  \*‏***

   ‏

   ‎

   1. . امیرالمؤمنین علی ـ علیه السلام ـ فرمود: «رسول خدا(ص) فرمودند: صبر بر سه قسم است: صبر در هنگام مصیبت، صبر بر اطاعت، و صبر از معصیت و گناه؛ پس کسی که بر مصیبت صبر نماید تا آن را به نیکویی تحمل کند، خداوند برای او سیصد درجه بنویسد که فاصلۀ هر درجه مانند فاصلۀ زمین تا آسمان است؛ کسی که بر اطاعت صبر کند، خداوند برای او ششصد درجه بنویسد که فاصله هر درجه از پایان زمین تا عرش می باشد؛ و کسی که بر معصیت صبر کند، خداوند برای او نُهصد درجه بنویسد که فاصلۀ درجات آن از منتهی و حدود زمین است تا منتهای عرش»؛ اصول کافی؛ ج 2، ص 75، «کتاب ایمان و کفر»، «باب الصبر»، ح 15.
   2. . اظهار توانمندی نمودن، نزد دشمنان نیکو است ولی پیش دوستان غیر از عجز چیزی نیکو نمی باشد؛ دیوان بن فا ر ض؛ ص 68، قصیدۀ نظم السُّلوک (مشهور به تائیّه کُبری).
   3. . شرح منازل السائرین؛ ص 198.
   4. . آداب الصلوة؛ ص 7، فصل اوّل از مقالۀ اُولی.
   5. . اشاره است به روایاتی که عبادت احرار و آزادگان را بر اساس محبت خداوند می داند؛ رجوع کنید به: اصول کافی؛ ج 2، ص 84 ، «کتاب الایمان والکفر»، «باب العباده»، ح 5 ؛ نهج البلاغه؛ ص 510، حِکَم، رقم 237.
   6. . حافظ شیرازی.
   7. . «ای روح آرامش یافته، خشنود و پسندیده به سوی پروردگارت بازگرد، و در زُمره بندگان من داخل شو، و به بهشت من درآ»؛ (فجر / 27ـ30).
   8. . اشاره است به: «وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّموَاتُ وَ الأرْضُ»؛ (آل عمران / 133).
   9. . «[بهشت] برای پرهیزکاران آماده شده است»؛ (آل عمران / 133).
   10. . «[بهشت] برای کسانی که ایمان آورده اند [به خدا و پیامبرانش] مهیَّا و آماده شده است»؛ (حدید / 21).
   11. . نقل شده که جوانی از اهل محبّت از شبلی دربارۀ صبر، سؤال کرد و گفت: کدام صبر سخت تر است؟ آیا صبر برای خدا؟ شبلی گفت: نه. گفت: صبر به خدا؟ گفت: نه. گفت: صبر بر خدا؟ گفت: نه. گفت: وای بر تو پس کدام صبر؟ گفت: صبر از خدا. پس شبلی صیحه ای زد و بیهوش بر زمین افتاد؛ إحیاء علوم الدّین؛ ج 4، ص 80، فصل فی بیان دواءِ الصبر وما یستعان به علیه؛ شرح منازل السائرین؛ ص 202ـ203، «باب الصبر».
   12. . اشاره است به این فرمایش حضرت امیر(ع): «أنَا عَیْنُ الله ِ، وَ أنَا یَدُ الله ِ، وَ أنَا جَنْبُ الله ِ، وَ أنَا بابُ الله ِ»؛ یعنی: «من چشم خدا، دست خدا، جنب خدا و باب خدا هستم»؛ اصول کافی؛ ج 1، ص 145 ؛ «کتاب التوحید»، «باب النوادر»، ح 8 .
   13. . «هیچ پیامبری مانند من، اذیَّت نشد»؛ بحارالانوار؛ ج 39، ص 56، ح 15.
   14. . «خداوندا، گیرم که بر عذاب تو صبر کنم، پس چگونه بر فراق تو صبر نمایم؟!»؛ اقبال الاعمال؛ ج 3، ص 335، دعای کمیل (رضی الله عنه).

   [↑](#footnote-ref-3)
4. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿۶۵﴾

   ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می شوند، و اگر از شما صد نفر [صابر] باشند بر هزار نفر از کافران چیره می شوند؛ زیرا آنان گروهی هستند [که حقایق توحید و قدرت خدا را] نمی فهمند. (۶۵)

   الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿۶۶﴾

   اکنون خدا به شما تخفیف داد و معلوم داشت که در شما ضعفی هست؛ بنابراین اگر از شما صد نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می شوند، و اگر هزار نفر [صابر] باشند، به فرمان خدا بر دو هزار نفر چیره می شوند؛ و خدا با صابران است. (۶۶) [↑](#footnote-ref-4)